

Understanding the Political Problematics of the Government in the Islamic Republic of Iran

Abbasali Rahbar *  Associate Professor, Department of Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract


Political issues that are explained in relation to socio-political disorder; Looking at public perceptions, it is considered to be a negative, common and changeable situation that contradicts the values of a significant number of people and they believe that they should take action to change that situation. Considering the importance of socio-political problem solving in the continuity and efficiency of a social system -Political The main goal of this article is to know the systematic model of the most important political issues of the government of the Islamic Republic of Iran with the approach of political sociology. Therefore, in response to the main question of what are the most important political issues of the government (as government) of the Islamic Republic of Iran, it has been tried to use a qualitative approach in the form of an empathic interpretation method to answer the main question with the conceptual framework of socio-political anomie and subjective perceptions. With the technique of elite brainstorming, the analysis of the findings (while acknowledging the relative capabilities of governments) indicates that among the agency and structural problems related to the government in the Islamic Republic of Iran, the sinusoidal process of political trust has been the core of our country's political issues today. which in the internal dimension has an important relationship with the weakness in the performance of the supervisory institutions, the inefficiency of some government institutions and the existence of social gaps, and in the external dimension, it has not been unaffected by the US sanctions policies against the Iranian people. Of course, the dimensional and logical empowerment of the government in Economy, culture and security and attracting people's conscious participation will help to reduce the basic political issues of the government.

Keywords: Issue, Political Trust, Supervision, Efficiency, Sanctions

* aa.rahbar@atu.ac.ir

How to Cite: Rahbar, A. (2022). Understanding the Political Problematics of the Government in the Islamic Republic of Iran. *State Studies*, 8(30), -. doi: 10.22054/tssq.2022.68284.1264

فهم مساله‌شناسی سیاسی دولت در جمهوری اسلامی ایران

عباسعلی رهبر*  دانشیار علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

مساله‌های سیاسی که در ارتباط با امر بی‌نظمی اجتماعی - سیاسی تبیین می‌شود ناظر به ادراکات عمومی برای شرایط منفی، شایع و قابل تغییر تلقی می‌گردد که با ارزش‌های شمار مهمی از مردم مغایرت دارد و معتقدند باید برای تغییر آن وضعیت اقدام کنند. با توجه به اهمیت مساله‌شناسی اجتماعی-سیاسی در استمرار و کارآمدی یک نظام اجتماعی - سیاسی، هدف اصلی مقاله حاضر شناخت مدل نظام‌مند مهم مسائل سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران با رویکرد جامعه‌شناسی سیاسی است. لذا در جواب به سوال اصلی چیستی مهم مسائل سیاسی دولت (به مثابه حکومت) جمهوری اسلامی ایران، سعی شده تا با چارچوب مفهومی آنومی اجتماعی - سیاسی و ادراکات ذهنی، از رویکرد کیفی در قالب روش تفسیری همدلانه برای پاسخ به سوال اصلی استفاده شود. با تکنیک بارش فکری نخبگانی، تحلیل یافته‌ها، (ضمن اذعان به توانمندی‌های نسبی دولت‌ها) حاکی از آن است که از میان مشکلات کارگزاری و ساختاری مرتبط با دولت در جمهوری اسلامی ایران، روند سینوسی اعتمادسیاسی، هسته اصلی مسایل سیاسی امروز کشور ما بوده است که در بعد داخلی رابطه مهمی با ضعف در عملکرد نهادهای نظارتی، ناکارآمدی بعضی از نهادهای حکومتی و وجود شکاف‌های اجتماعی داشته و در بعد خارجی نیز بی‌تأثیر از مساله سیاست‌های تحریم آمریکا علیه مردم ایران نبوده است. البته توانمندسازی ابعادی و منطقی دولت در اقتصاد، فرهنگ و امنیت و جلب مشارکت آگاهانه مردم به کاهش مسائل اساسی سیاسی دولت کمک خواهد کرد.

واژگان کلیدی: مساله اجتماعی - سیاسی، اعتماد سیاسی، نظارت، کارآمدی، تحریم

مقدمه

جامعه ایرانی امروز با فراز و فرودهایی چون توجه به استقلال سیاسی، رشد سریع جمعیت، دگرگونی در ساختار سیاسی - اجتماعی جامعه، افزایش آگاهی‌های اجتماعی و سیاسی، پیشرفت در برخی از عرصه‌های علمی، توسعه غیر متعارف و تأثیر از تحولات در عرصه جهانی (در قالب جهانی شدن) مواجه است که کژکارکردهای دولت در کنار نحوه مدیریت سیاسی برخی از کارگزاران موجبات بروز مسائل جدی در حوزه امور سیاسی شده است و جامعه را نیز در معرض آنومی نگران کننده و بروز "تعارضات فزاینده" قرار داده است. به گونه‌ای که کارآمدی و حکمرانی دولت (حکومت) را با مشکلاتی مواجه کرده است که در ذیل مسائل مذکور به دنبال شناخت اهم مسایل سیاسی دولت در جامعه ایرانی هستیم تا بتوان علل و دلایل کژکارکردی و بدقوارگی سیاسی قسمت‌هایی از جامعه را فهمید. چرا که توجه و شناخت به موقع مسایل اجتماعی - سیاسی راه را برای حل آنها هموارتر می‌نماید.

با عنایت به سوال اصلی مقاله مبنی بر چیستی اهم مسایل سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران، سعی می‌گردد با استفاده از چارچوب مفهومی مساله‌شناسی سیاسی و همچنین روش کیفی تفسیری و تکنیک تحلیل بارش نخبگان فکری (در کنار استفاده از روش تکمیلی کمی پیمایشی) به تبیین موضوع پرداخته شود. در این پژوهش بازنگری عمیق و دقیق و نظام‌مند و همچنین ترکیب و تفسیر داده‌های اصلی مطالعات منتخب مورد توجه قرار خواهد بود.

پیشینه پژوهش

در مورد مسائل سیاسی ایران به صورت جداگانه مقالات مفیدی نوشته شده است. اما نوآوری مقاله حاضر (که منتج از یک اثر پژوهشی است) ناظر به تعیین اولویت‌های اصلی و نظام‌مند مسائل سیاسی دولت امروز ما در نگاه نخبگان دانشگاهی است. لذا با جستجو در پایگاه‌های اسنادی و اطلاعاتی می‌توان نشان داد که در رابطه با شناسایی مسائل ایران امروز مطالعاتی در داخل کشور انجام شده است که بیشتر این نوع مطالعات هم در حوزه فرهنگی - اجتماعی است که می‌توان به اهم موارد زیر اشاره کرد: مقاله اولویت‌بندی آسیب‌ها و مسائل اجتماعی در ایران (معمدی، ۱۳۸۶) با روش بارش

افکار به اولویت مسایل اجتماعی ایران نظیر بیکاری، اعتیاد، فقر، تکدی‌گری، خانواده نابسامان، طلاق، فرار مغزها، دختران فراری و مشکلاتی از قبیل فحشا، فرار مغزها، مهاجرت، مشکلات جوانان، همسرآزاری و خودکشی، رباخواری، رشوه‌خواری پرداخته است. مقاله فراتحلیل مطالعات انجام شده در حوزه مسائل اجتماعی ایران (معیدفر و پروین، ۱۳۸۸) مهم‌ترین مسائل جامعه ایران را اشتغال، بیکاری، مسائل نظام آموزش عالی، مسائل جوانان، فقر، اعتیاد، مصرف مشروبات الکلی، تزلزل سرمایه اجتماعی، قانون‌گریزی ذکر کرده است. مقاله مشکلات اجتماعی در اولویت ایران (رفیعی و همکاران، ۱۳۸۷) با روش دلفی به اعتیاد، بیکاری، خشونت، بی‌اعتمادی اجتماعی، فقر اقتصادی، فساد، تبعیض اجتماعی، بی‌عدالتی در برخورداری از قدرت، نزول ارزشها، افزایش جرایم، سیاست‌های اقتصادی، معضل ترافیک، مسائل آموزش و پرورش، عدم رعایت حقوق شهروندی، نابرابری در اجرای قانون اشاره کرده است. در مقاله جامعه‌شناسی در کانادا، مساله شناسی بومی و شکل‌گیری بومی‌گرایی علمی در علوم انسانی کانادایی (آزاد ارمکی و عبدالهیان، ۱۳۸۰) اشاره دارد که جامعه‌شناسی بومی و مساله‌شناسی در آن به عنوان یکی از رشته‌های علوم انسانی در این مقاله مورد سؤال و بررسی واقع شده تا از آن طریق و با ذکر نمونه جامعه‌شناسی کانادایی نشان داده شود که مسائل و مشکلات درونی کانادا توانسته جهت‌گیری علمی جامعه‌شناسی را با مقتضیات بومی هماهنگ سازد. در این مقاله با تأکید بر شکل‌گیری پارادایم‌های جامعه‌شناسی متأثر از تجربه‌های بومی به مساله بحران هویت در جامعه کانادا هم اشاره شده است.

در مقاله مسئله فرهنگی و مساله‌شناسی فرهنگی ایران؛ در دیدگاه نخبگان دانشگاهی و حوزوی داخلی (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۶) اشاره شده است که برای اینکه بتوان در دنیای کنونی بر اساس یک برنامه‌ریزی نسبتاً دقیق و هماهنگ، جامعه را در حد توان به سوی ارزش‌های هدف‌گذاری شده سوق داد، بایستی نقاط قوت و ضعف ساختار فرهنگ را شناخته، با مساله‌شناسی فرهنگی مشخص کرد که شرایط موجود تا چه حد با وضعیت آرمانی فاصله دارد. بدین ترتیب، خلأ طرح مدونی که به شناسایی و اولویت‌بندی مسائل فرهنگی جامعه بپردازد، محقق را بر این داشت تا تحقیقی راهبردی به منظور برآورد و ارزیابی مسائل و شرایط فرهنگی موجود انجام دهد. در مقاله امکان‌سنجی طراحی سامانه مساله‌یابی دینی (محمدی و خیری، ۱۳۹۲) اشاره شده که

مساله‌شناسی از اولین، بایسته‌ترین و ضروری‌ترین نیازهای پژوهشی به شمار می‌آید. این مهم درباره مسائل دینی و به ویژه قرآنی از اولیوی دو چندان برخوردار است. از طرفی، مساله‌شناسی نیز همانند بسیاری دیگر از علوم و تحقیقات بشری زمان‌مند و حتی مکان‌مند بوده است به گونه‌ای که امکان سنجی طراحی سامانه‌ای قابل انعطاف، دارای جامعیت و شمول نسبی را برای شناسایی و اولویت بندی مسائل هر عصر را مطرح می‌نماید.

در کتاب مساله‌شناسی فرهنگی (کلهر، ۱۳۹۹) به موضوع روش‌های مساله‌شناسی و تحولات اولویتهای مساله محور مردم پرداخته است و اشاره شده که پیش از آن که بخواهیم مساله را تعریف کنیم، باید درباره این صحبت کنیم که چرا مساله و شناخت آن اهمیت دارد و کاربرد آن کجاست؟ می‌توان گفت که شناخت درست مساله، همانند یک طرح مناسب است که نیمی از حل مساله را دربر دارد.

کتاب مساله‌شناسی مطالعات سیاسی اسلامی (حقیقت، ۱۳۸۳) عهده‌دار یافتن مسائل مهم در حوزه مطالعات سیاسی اسلام اعم از فقه سیاسی، فلسفه و کلام سیاسی و مطالعات سیاسی تجربی با گرایش اسلامی است. مقصود از مساله - شناسی شناخت مسایلی از اندیشه سیاسی اسلام است که برای ما به دلیل به چالش کشیدن دیگر مبانی مقبول یا مشهور موضوعیت می‌یابد تعداد مشکلات موجود در فضای جامعه‌شناسی ایران زیاد است ولی مهم آن است که با توجه به شرایط تاریخی و اجتماعی و سیاسی ما به مساله تبدیل شده است.

در کتاب «زندگی سراسر فهم مساله است؛ مساله و مساله‌شناسی در علوم اجتماعی و انسانی ایران (فاضلی، ۱۳۹۹) نویسنده در آن به مساله و مساله‌شناسی در علوم اجتماعی و انسانی ایران می‌پردازد. یعنی سوال پرسیدن، به چالش کشیدن و ایجاد و طرح یک مساله. نویسنده مساله و مساله‌شناسی در علم اجتماعی و انسانی را به میان می‌آورد و در تلاش است تا ابعاد و جنبه‌های گوناگون آن را برای مخاطبان بگشاید. این که جایگاه و اهمیت مساله در فرایند اندیشه‌ورزی چگونه و چیست و چرا و چگونه باید مساله‌مند اندیشید، در کتاب نشان داده شده است. همچنین در پیمایش ملی ارزشها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۸۲) به مسایلی چون بیکاری، گرانی، اعتیاد، پارتی‌بازی، طلاق، دزدی و کلاهبرداری، روابط نامشروع، تبعیض، اختلاف و چنددستگی، ظلم و ستم، ناامنی، دین‌گریزی می‌پردازد. از مطالعات مرتبط دیگر مطالعه آینده کوتاه‌مدت پیش‌رو با

بهره‌گیری از گردآوری و تحلیل شواهد و نظرات کارشناسان و تمامی ذی‌نفعان است. در همین ارتباط در نظرسنجی صورت گرفته در سال ۱۳۹۴ نیز براساس گزارش یافته‌های پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان؛ موج سوم، مهمترین نگرانی و دغدغه پاسخگویان بیکاری / اشتغال / مسائل شغلی (۲۷/۹ درصد) مسائل و مشکلات اقتصادی (۱۷/۵ درصد) و دغدغه نسبت آینده فرزندان (۱۴/۸ درصد) و دیگر مسایل مطرح شده است. در سال‌های ۱۳۹۳، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵، ۱۳۹۶ موسسه آینده‌بان با همکاری مرکز بررسی‌های استراتژیک نهاد ریاست جمهوری - با ترکیبی از روش‌های مرسوم علمی آینده‌پژوهی، چهار گزارش سالانه منتشر کرد. نکته مهم آن پرداختن به همه مسایل در نگاه آینده‌پژوهانه بوده است.

چارچوب مفهومی مساله‌شناسی سیاسی

از مباحث مهم در ارتقا کیفیت زندگی افراد و جامعه شناخت مسائل مرتبط با آنها می‌باشد. نکته‌ای که باید در نظر داشت، توجه به شناخت مفهومی و شبکه معنایی مساله است که اصولاً چه پدیده‌ای مساله تلقی می‌گردد؟ مساله اجتماعی-سیاسی ناظر به چه خصوصیات می‌باشد؟ فرق بین مساله اجتماعی و سیاسی با مشکل سیاسی و اجتماعی چیست؟ در این قسمت به دنبال یافتن یک چارچوب مفهومی و شبکه معنایی منظم و منسجم برای شناخت مساله سیاسی در قالب بی‌نظمی سیاسی و نقش ادراکی در تولید مساله اجتماعی-سیاسی می‌باشیم.

به طور کلی مساله می‌تواند یک کار یا موقعیتی در زندگی فرد باشد که نیاز به عملکرد سازگارانه‌ای را طلب می‌کند ولی فرد به دلیل وجود موانعی قادر به پاسخ فوری و مؤثر نیست. مساله می‌تواند واقعی باشد و یا موقعیتی باشد که فرد پیش‌بینی می‌کند یا انتظار دارد با آن رو به رو شود. منبع موقعیت مشکل‌زا می‌تواند از محیط فرد ریشه بگیرد یا در دورن فرد باشد. موانع هم می‌تواند منابع مختلفی داشته باشد، از جمله ابهام، تازگی، غیر قابل پیش‌بینی بودن، انگیزه‌های متعارض، ضعف مهارتی و یا نبود امکانات (چانگک و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹)

نظم در سطح فردی باعث موفقیت در دستیابی به هدف و افزایش عزت نفس و نشاط می‌شود و در سطح اجتماعی باعث کاهش جرائم و ارتقاء امنیت و گسترش رفتارهای مطلوب و افزایش همبستگی اجتماعی می‌گردد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۶). مفهوم

بی‌نظمی شامل دامنه گسترده‌ای از ویژگی‌هایی همچون: سردرگمی، به‌هم‌ریختگی، اختلال، حالت غیر عادی و هرج و مرج است (باومن، ۲۰۰۴: ۲۳-۴۶).

اساس نظم اجتماعی در هر جامعه‌ای، مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است و بدون نظم، جامعه دچار نوعی گسیختگی اجتماعی یا آشفتگی اجتماعی می‌گردد. در تعریفی دیگر مشکل اجتماعی موقعیتی است که بیشتر مردم آن را غیرمطلوب می‌دانند و بیشتر مردم آن را حس می‌کنند و درخواست حل آن را دارند (آزادارمکی، ۱۳۷۷: ۱۹). نکته مهم و قابل تذکر این است که ما در چارچوب امر سیاسی فضای اجتماعی و بی‌نظمی اجتماعی را رصد می‌نماییم. در واقع، هیچ مساله و حوزه‌ای نیست که خارج از قاب سیاست و قدرت سیاسی باشد و همه رفتارها و نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی نیز به نوعی با مقوله قدرت و دولت و حاکمیت مرتبط می‌گردد.

به نظر متروویچ از نظر دورکیم آنومی در جامعه مدرن، معادل گناه در مفهوم دینی آن است. آنومی توهین به مقدسات در معنای غیردینی آن است. آنومی توهین به منزلت انسان و کیفیت مقدس و منزّه حقیقت است (متروویچ، ۱۹۸۵: ۱۲۷-۱۲۶). پس آنومی به نوعی ضد اخلاق یا فساد اخلاقی است.

آنومی عبارت است از حالتی که در آن قواعد اجتماعی برای عاملان الزام‌آور نیستند و پیروی از آنها برای افراد مطلوبیتی ندارد. از نظر دورکیم در جوامع مدرن آنومی منحصر به نقش‌های اقتصادی و جهان صنعت و تجارت نیست و کل جامعه را در بر گرفته است. در خودکشی می‌نویسد " ... این شر تنها تهدیدکننده نقش‌های اقتصادی نیست، بلکه همه نقش‌های اجتماعی را در هر مرتبه‌ای تهدید می‌کند (دورکیم، ۱۳۷۸: ۳۹۶). آنومی سیاسی از نظر دورکیم عبارت از وضعی است که قواعد و هنجارهای سیاسی و قوانین اساسی که حقوق و وظایف متقابل دولت و شهروندان را مشخص می‌سازند دیگر برای کنشگران (دولت و شهروندان) الزام‌آور نیستند و پیروی از آنها مطلوبیتی ندارد (رجب زاده و کوثری، ۱۳۸۱: ۳۱).

امروزه کشورهای در حال توسعه به عبارتی در حال گذار هستند و با بحران‌های شدید سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رو به رو هستند. توسعه، صنعت و پیشرفت اجتماعی هنجارها و ارزش‌های سنتی تعمیم یافته و مورد قبول عمومی را سست و بی‌بنیاد می‌سازد و در پی آن آنومی اتفاق می‌افتد (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۲۲۵).

طبق بینش پارسونز مساله اساسی برای دورکیم نظم اجتماعی است و برای رسیدن به آن وفاق هنجاری را طرح می‌کند. اما به نظر دورکیم وجود قواعد مشترک یا وفاق هنجاری مشکل اراده ستمگر و فزون‌طلب بشر را حل نمی‌کند. برای آنکه افراد جامعه رفتار اخلاقی داشته باشند وجود قواعد مشترک کافی نیست، بلکه قواعد باید درست و عادلانه باشند (توانبخش و نوریان فر، ۱۳۹۵: ۱).

در نظریات جدید پیرامون آنومی می‌توان به نظرات مستر و روزنفیلد اشاره کرد که نظریه آنها یک رویکرد سطح کلان از نظریه آنومی در قالب آنومی نهادی است که آنومی نهادی هم بر نهادهای اجتماعی و هم بر ارزش‌های فرهنگی تأکید و تصریح می‌کند که نرخ رفتار انحرافی را متأثر می‌کند (رک: مستر و روزنفیلد، ۱۹۹۷).

همچنین در تعبیری دیگر آنومی وضعیتی اجتماعی است که به پاشیدگی معیارهای حاکم بر روابط و تعاملات اجتماعی می‌انجامد. در پژوهش‌های صورت گرفته آنومی با دینداری، سرمایه فرهنگی، اعتماد، انسجام و مشارکت رابطه معکوس دارد و با مولفه‌هایی چون قانون‌گریزی، احساس غیرعادلانه بودن قواعد و فردگرایی افراطی رابطه مستقیم دارد.

البته تاکنون نظریات و دیدگاه‌های مختلفی در تعریف و تبیین مساله اجتماعی مطرح شده‌اند. در سال‌های اخیر دیدگاه‌های جدیدتری در تعریف و تبیین مساله اجتماعی مطرح شده‌اند که به جای تامل بر عوامل ساختاری و عینی در بررسی مسائل اجتماعی، بر عوامل ذهنی و عنصر آگاهی تأکید ورزیده‌اند. به باور لوزیک مساله اجتماعی فقط مشکلی نیست که شایع باشد، بلکه در اذهان عمومی بایستی قابل حل بوده و اراده‌ای جمعی نیز برای مواجهه با آن وجود داشته باشد و اگر هر یک از این ویژگی‌ها وجود نداشته باشد، چیزی به نام مساله اجتماعی وجود نخواهد داشت.

"لوزیک" در تعریف مسائل اجتماعی روی ادراکات عمومی که به نظر می‌رسد توافق عمومی روی آن باشد تأکید می‌ورزد. اول آنکه، ما زمانی واژه مساله اجتماعی را به کار می‌بریم که نشان دهیم چیزی اشتباه است این یک ادراک عمومی است. هر آن چیزی مساله اجتماعی است که ناظر بر شرایطی منفی باشد. دومین نکته در تعریف مسائل اجتماعی، دشواری و جدی بودن مساله است. مساله اجتماعی باید ناظر بر شرایط شایع و گسترده‌ای باشد، بدین معنا که در برگیرنده و آسیب‌زننده به تعداد بسیاری از افراد باشد و

عرفاً مشکل تعداد اندکی از افراد نباشد، مسائل اجتماعی به شرایط مشکل‌داری اطلاق می‌شود که بر تعداد کافی از افراد اثر گذارد. سومین نکته در تعریف مساله اجتماعی آن است که همیشه در تصور مساله اجتماعی یک مقداری دید خوشبینانه وجود دارد. مسائل اجتماعی، عبارتی است که ما زمانی آن را به کار می‌بریم که بتوان با دخالت انسان‌ها شرایط مشکل‌زا را تحت کنترل در آورد. پس مساله اجتماعی به شرایطی اطلاق می‌شود که مشکل‌زا، شایع و قابل تغییر باشد.

اما چه چیزی را باید درباره مسائل اجتماعی مطالعه و بررسی کنیم؟ پاسخ به این سوال خیلی آسان نیست، زیرا مسائل اجتماعی درباره دو جنبه کاملاً مهم زندگی اجتماعی هستند. مسائل اجتماعی درباره شرایط عینی و افراد (اشیاء و افرادی که در جهان بیرونی و حوس وجود دارند) و نیز درباره تعاریف ذهنی (چگونه ما جهان و افرادی که در آن هستند را می‌فهمیم) می‌باشند. در نامیدن شرایطی به عنوان مساله اجتماعی، یک معیار اخلاقی در نظر گرفته می‌شود، در مساله اجتماعی اعتقاد بر این است که شرایطی غلط است و باید تغییر یابد. با این وصف، ما باید وارد قلمرو ذهنی شویم و در اینجا است که با تقسیمات سیاسی، اجتماعی و اخلاقی مواجه می‌شویم.

دیدگاه سازه‌گرایانه اجتماعی، معنایی را که آدم‌ها در جهان پیرامون می‌آفرینند، بررسی می‌کند. نگرش سازه‌گرایانه اجتماعی، با مسائل اجتماعی به عنوان ادراکات و معانی ذهنی سر و کار دارد. برای به وجود آمدن و مطرح شدن یک مساله اجتماعی اولین چیز مورد نیاز، درک و تصویری است که نسبت به این شرایط باید به وجود آید و باید یک معنی خاص (مشکل‌زا) را به این شرایط ضمیمه کرد. برای انجام چنین کاری دلایل اخلاقی لازم است در شرایط عینی تا زمانی که مشکل‌زا نامیده نشوند و معنایی برای آن در نظر گرفته نشود نمی‌تواند مساله اجتماعی باشد.

بازی مسائل اجتماعی و به عبارت دیگر، ساختن مسائل اجتماعی زمانی به پیروزی می‌رسند که بشود حضار یا مردم را به اینکه با مساله‌ای مواجه هستند و باید کاری برای آن انجام دهند، متقاعد کرد. نگرش سازه‌گرایانه اجتماعی از ما نمی‌خواهد که به حقیقت امور توجه کنیم، بلکه می‌خواهد که ما این ادعاها را باور کنیم (یا نکنیم).

در نهایت، دو رویکرد کلی را می‌توان در مطالعه مسائل اجتماعی مورد توجه قرار داد. بررسی مسائل اجتماعی به عنوان شرایط عینی در محیط و بررسی مسائل اجتماعی به

عنوان تعاریف ذهنی (رک: لوزیک، ۱۳۸۸).

از مجموع مطالب مذکور در مورد آنومی اجتماعی-سیاسی و نگرش ادراکی به مسایل اجتماعی و سیاسی می‌توان مدل زیر را ترسیم کرد:



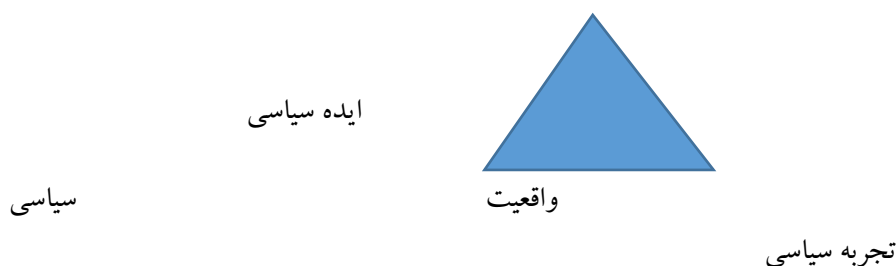
مدل مفهومی مساله‌شناسی سیاسی

روش‌شناسی

محقق لازم است برای سامان طرح تحقیقاتی خود روش‌شناسی و روش پژوهش خود را ذکر نماید و لذا باید هم‌راهد پژوهشی خویش را مشخص نماید و هم‌روش‌های گردآوری داده‌ها و تحلیل یافته‌های خود را نشان دهد. راهبرد پژوهش یعنی منطقی که مراحل پژوهش را در پاسخ به "چرا" و چستی پدیده مورد بررسی یا چگونگی تغییر آن روشن می‌کند (بلیکی، ۱۳۸۹: ۲۲).

پارادایم‌های پژوهش اجتماعی به شیوه‌های متفاوت میان ایده‌ها و تجربه اجتماعی و واقعیت اجتماعی رابطه برقرار می‌کند (بلیکی، ۱۳۸۹: ۱۴۵، ۱۷۵). "ایده‌ها" از این لحاظ

که محقق با چه منظومه مفهومی می‌خواهد پدیده مورد بررسی خود را مفهوم‌سازی و درک‌پذیر کند؛ «تجربه اجتماعی» که اشاره به برداشت محقق از رفتارهای فردی، اجتماعی، فرهنگی و معانی و تفاسیر خود و مرام دارد؛ «واقعیت اجتماعی» که هم به برداشت محقق از وضعیت ساختارها و اوضاع کلان اجتماعی است. اوضاعی که هم به افراد جامعه فرصت عمل می‌دهد و هم آن را محدود می‌کند. که با خوانش امر سیاسی در مورد پدیده‌های اجتماعی، در مورد پدیده‌های سیاسی نیز صادق خواهد بود:



به نظر می‌رسد که در این پژوهش هم می‌توان مسأله‌شناسی سیاسی را از درون راهبرد استقرایی مطالعات صورت گرفته در نظر گیریم و هم به عمق و فهم مسائل سیاسی دارای اولویت توجه نماییم.

روش پژوهش حاضر مبتنی روش‌شناسی کیفی از نوع تفسیری می‌باشد. چراکه در پارادایم تفسیری دلیل اصلی پژوهش فهم و توصیف کنش اجتماعی مردم است که بار معنایی دارد و واقعیت اجتماعی با تفاسیر انسان‌ها در تعاملات اجتماعی مرتبط می‌باشد و انسان موجودی است که معنا تولید می‌کند و دائماً با ارائه تفسیر به محیط اطرافش معنا می‌دهد. همچنین روش کتابخانه‌ای جهت گردآوری اطلاعات و تکنیک تحلیل بارش فکری (با بهره‌مندی از متمم پیمایشی) نیز در جهت کمک به تحلیل داده‌ها استفاده می‌شود.

- بارش فکری در مورد مسایل سیاسی ایران

تکنیک بارش فکری (brainstorming) که به اسامی مختلف مانند بارش افکار، توفان فکری، توفان ذهنی نیز نامیده می‌شود. بارش فکری یک تکنیک گروهی است. شرکت‌کنندگان طی جلسه‌ای در مورد یک مسأله یا مشکل به صورت گردش ایده‌های جدید خود را بیان می‌کنند. جلسه توسط یک سرپرست مدیریت می‌شود و یک نفر هم

نظرات ارائه شده را روی تخته یادداشت می‌کند.

این تکنیک خلاقیت دارای دو مرحله مجزا است:

۱- مرحله تولید ایده: هدف از این مرحله تولید تعداد زیادی ایده است که توسط شرکت کنندگان به نوبت ارائه می‌شود.

۲- مرحله ارزیابی ایده: در این مرحله ایده‌ها مورد ارزیابی قرار گرفته و برخی حذف می‌شوند. تعدادی با هم ترکیب می‌شوند و ایده‌های جدید و مناسب‌تری را به وجود می‌آورند. در نهایت نیز ایده‌های برتر انتخاب و مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۲- تهیه پرسشنامه

۳- تحلیل آماری پرسشنامه

۴- تعیین اولویت عاملی

۵- توجه به فهم و روش تفسیری

پژوهش حاضر از آنجا که به بررسی و تبیین مسائل سیاسی دارای اولویت در مورد ایران امروز از دیدگاه خبرگان می‌پردازد براساس ماهیت پژوهشی کیفی از نوع مطالعات زمینه‌یابی است. استقراء نظر خبرگان از بین مسایل سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران با توجه به اهمیت و تعداد مطالعات صورت گرفته در ده سال اخیر و همچنین بهره‌مندی از گزارش‌های آینده‌پژوهانه (مشترک موسسه آینده‌بان و مرکز بررسی‌های استراتژیک) ناظر بر مولفه‌های سیاسی متنوعی بوده است. (درجدول پیوست) سپس براساس سیاهه، پرسشنامه‌ای تدوین شد از صاحب‌نظران امر (جهت اولویت موارد احصا شده) که براساس بارش فکری و نظرسنجی که با خبرگان حوزه مطالعاتی فوق انجام شد به گونه‌ای که مسائل مورد نظر واکاوی و با اشباع نظری همراه شد. یعنی این روند تا زمانی انجام شد که دیدگاه خود را ارائه بدهند که داده‌های پرسشنامه پس از گردآوری با استفاده از نرم افزار SPSS²² تحلیل شد. آزمون مورد استفاده فریدمن بود که جهت اولویت‌بندی مسائل براساس میانگین وزنی عوامل استفاده شد. آزمون فریدمن یک آزمون ناپارامتری، معادل آنالیز واریانس با اندازه‌های تکراری (درون گروهی است) که از آن برای مقایسه میانگین رتبه‌ها در بین k متغیر (گروه) استفاده می‌کنیم. آزمون فریدمن براساس داده‌های گردآوری شده که در پرسشنامه بصورت درجه اهمیت اول و درجه اهمیت دوم بود، میانگین هر کدام از عوامل را استخراج و سپس براساس فراوانی آماری، آن خبرگانی که

درجه اهمیت اول را بیشتر انتخاب کرده بودند، میانگین وزنی به آنها اختصاص داد و موارد اولویت‌بندی شدند.

پرسشنامه مذکور در بین اساتید و متخصصین دانشگاه‌های علامه طباطبائی و دانشگاه تهران توزیع گردید که در نهایت با تحلیل آماری اولویت‌های اهمیت‌دار درجه یک و درجه دو مشخص گردیدند.

یافته‌ها

نتایج تحلیل به ۱۵ مساله اولویت‌دار رسید که عبارتند از: کاهش اعتماد سیاسی، ضعف در نهادهای نظارتی، بحران ناکارآمدی عملکردهای نهادهای حکومتی، فساد مالی سیاسی برخی از کارگزاران حکومتی، ضعف در کارآمدی نظام قضایی، انحصارگرایی اقتصادی دولتی، ضعف در نظام اداری و بوروکراسی، شکاف‌های اجتماعی، ضعف در حاکمیت قانون، وابستگی شدید به درآمدهای نفتی، روند مذاکره با آمریکا و تحریم‌ها و تهدیدهای آمریکا علیه ایران، روند همکاری با کشورهای همسایه، عدم اجماع نخبگان در خصوص منافع ملی، وجود تکثر و تقابل نهادهای موازی در اغلب بخش‌های کشور، کاهش امید سیاسی.

بعد از احصاء ۱۵ مساله اولویت‌دار مجدداً در فرآیند روش بارش فکری نخبگانی و رویکرد تفسیری به پنج مساله مهم سیاسی در جمهوری اسلامی ایران در عناوین کسری اعتماد سیاسی، ضعف در نهادهای نظارتی، شکاف‌های اجتماعی، بحران ناکارآمدی و تحریم‌ها رسیدیم که مختصر به آنها اشاره می‌گردد.

۱) مساله کاهش اعتماد سیاسی در ایران

اعتماد، از جمله مقولات اساسی در مطالعات اجتماعی و سیاسی معاصر است که عمدتاً ذیل بحث «سرمایه اجتماعی» مورد توجه قرار گرفته است. چنین امری، به دلیل چرخش نظریه جامعه‌شناختی از سویه‌های صلب و سخت به وجوه نرم و نمادین می‌باشد.

«اعتماد اجتماعی» از جمله میانجی‌هایی است که شیوه‌های تعامل اطمینان‌آور اجزای نظام با یکدیگر را تبیین می‌کند (زتومپکا، ۲۰۰۳: ۳-۱)

اعتماد عمومی یعنی انتظار عموم از دریافت پاسخ مطلوب به خواسته‌هایشان از سوی متولیان امور عمومی. اعتماد عمومی، شهروندان را به نهادها و سازمان‌های دولتی

(نمایندگان مردم) پیوند می‌دهد و از این طریق مشروعیت و اثربخشی دولت دموکراتیک افزایش پیدا می‌کند (زاهدی، خانباشی، ۱۳۹۰: ۷۹).

آن چه در این تحقیق مورد نظر می‌باشد، اعتماد سیاسی است که هر سه جزء تشکیل‌دهنده یک حکومت را به عنوان یک ساختار سیاسی کامل و فراگیر پوشش می‌دهد. با توجه به نظریات بریتزر، ابعاد اعتماد سیاسی را می‌توان در طیفی وسیع بین اعتماد سیاسی عام / انتزاعی تا اعتماد سیاسی خاص / به هم پیوسته در نظر گرفت که شامل سه بعد اعتماد سیاسی است. این سه بعد عبارتند از میزان اعتقاد (باور یا اطمینان) افراد به سیستم یا نظام سیاسی، میزان اعتقاد (باور یا اطمینان) آنان به کارگزاران فعال در نظام سیاسی، و میزان اعتقاد (باور یا اطمینان) آن‌ها به نهادهای سیاسی (شایگان، ۱۳۸۶: ۵۲). عوامل متعددی بر میزان اعتماد سیاسی جوامع تأثیرگذار است. زتومپکا معتقد است که سه دسته از عوامل برای شکل‌گیری فرهنگ اعتماد در یک جامعه دخیل‌اند که عبارتند از: متغیرهای زمینه‌ای (مثل سنت تاریخی اعتماد یا بی‌اعتمادی)؛ متغیرهای مستقل (مثل شرایط ساختاری برای تجربیات مثبت یا منفی توأم با اعتماد) متغیرهای میانی (مثل خلیقات اجتماعی) (زتومپکا، ۱۳۸۴: ۱۵۴-۱۵۵).

می‌توان گفت که رسانه‌های خبری و انقلاب اطلاعات در عرصه جهانی مولفه‌های تأثیرگذار دیگری هستند که احتمالاً در کاهش سطح اعتماد عمومی به دولت‌ها در چند دهه گذشته نقش مهمی را ایفا نموده‌اند.

هم چنین گفته می‌شود که نحوه پوشش مطبوعات در مورد عملکرد دولت و امور سیاسی در کشورها بیش از پیش حالت منفی‌گرایانه، و مبتنی بر تعارض به خود گرفته است. تلویزیون‌ها نیز با پخش تصاویر و برنامه‌های متعدد این گرایش را تشدید می‌کنند. بنابراین نقش در حال تکامل رسانه‌ها با کاهش میزان اعتماد به دولت و دیگر نهادها مقارن است (الوانی و دانایی فرد، ۱۳۸۰: ۵-۲۷).

در بحث اعتماد سیاسی نباید از متغیرهایی دیگری چون وضعیت اقتصادی، بوروکراسی دولتی، پاسخگویی، تحصیلات، مذهب و دینداری افراد و همچنین عوامل فناورانه غافل گردید.

با بررسی تفسیری ۱۱۷ مقاله مرتبط با مساله وضعیت اعتماد سیاسی در ایران امروز می‌توان به گزاره‌های زیر اشاره کرد:

۱- به لحاظ سطوح تحلیل عوامل مؤثر بر اعتماد سیاسی در ایران نیز می‌توان گفت که در سطح کلان رفاه اقتصادی و عملکرد دولت، در سطح میانی رسانه‌های جمعی و اعتماد عمومی و در سطح خرد میزان ادراک و دینداری افراد بر اعتماد سیاسی تأثیر گذاشته است.

- اعتماد سیاسی مردم ایران بخشی از اعتماد عمومی و اعتماد تعمیم‌یافته مردم می‌باشد که با توجه به کاهش اعتماد عمومی مردم و وضعیت نامناسب سرمایه اجتماعی در کشور، کسری اعتماد سیاسی از این مسایل دور از ذهن نخواهد بود.

۳- اعتماد سیاسی در ایران امروز در حد متوسط می‌باشد که البته اعتماد به نظام سیاسی بیشتر از میزان اعتماد به نهادهای سیاسی و همچنین اعتماد به کنشگران سیاسی می‌باشد. در این میان نگرش دانشگاهیان به لحاظ اعتماد به کارگزاران در سطح پایین ارزیابی شده است.

۴- مرجع مهم تولید و توزیع اعتماد سیاسی دولت و عملکرد نظام سیاسی می‌باشد که تناقض در رفتار و گفتار، فساد و کم‌تفاوتی و بی‌تفاوتی بعضی از مسوولین، ضعف در بوروکراسی باعث تقویت شکاف دولت-ملت و تضعیف اعتماد سیاسی در جامعه ما شده است. چرا که مردم از رصد عملکرد، سبک زندگی و نوع احترام‌بخشی یا واقعی دولتمردان به خواسته‌های خود غافل نمی‌باشند و این رصد در فضای شبکه‌ای و متکثر ارتباطی بر میزان اعتماد سیاسی آنان مؤثر واقع گشته است.

۵- ادراک عمومی از سطح پاسخگویی سازمان‌های دولتی و رضایت از عملکرد نقاط تماس دولت با مردم از حد متوسط پایین‌تر می‌باشد که باعث تضعیف اعتماد سیاسی در جامعه شده است.

۶- نارضایتی اقتصادی و بی‌ثباتی اقتصادی ادراک شده و نگرش مردم نسبت به تلاش ناکافی دولت در رفع مشکلات رفاه اجتماعی و کم‌توجهی به ارزش‌های اصیل دینی در سیر نزولی اعتماد سیاسی نقش داشته است. البته ناگفته نماند که رفاه ذهنی افراد جامعه و برداشت از عملکرد نهادهای اقتصادی و سیاسی بیش از شرایط اقتصادی و واقعیات سیاسی بر اعتماد سیاسی مردم اثرگذار بوده است.

۲) مساله ضعف در نهادهای نظارتی

در تعریف مصطلح، «نظارت» به مجموعه عملیاتی گفته می‌شود که طی آن، میزان تطابق

عملکرد اشخاص با قوانین و مقررات سنجیده می‌شود تا از این طریق، به مطابقت نتایج عملکرد با هدف‌های مطلوب، اطمینان به دست آید (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱، ۳۱).

نظارت در حقوق اساسی نیز بررسی و ممیزی و ارزشیابی کارهای انجام‌شده یا در حین انجام و انطباق آنها با تصمیمات اتخاذ شده و همچنین، قانون و مقررات در جهت جلوگیری از انحراف افراد تعریف شده است (قاضی، ۱۳۷۵: ۳۵۲).

نظارت سیاسی عبارت‌ست از مطالعه، بازرسی و رسیدگی که از جانب نهادها یا مقام‌های سیاسی کشور بر مراجع و نهادهای حکومتی و مستخدمان و اموال آنان صورت می‌گیرد، تا از حسن جریان امور اطمینان حاصل شود (عمید زنجانی، ۱۳۸۹: ۵۳).

مراد از نظارت قضایی، نظارتی است که از سوی قوه قضائیه اعمال می‌گردد و یکی از اصول پذیرفته‌شده‌ی حقوقی در غالب نظام‌های حقوقی دنیا به شمار می‌رود. این اصطلاح به طور خاص در خصوص نظارت نهاد قضایی بر اقدامات و تصمیمات مقامات اجرایی و قدرت‌های حکومتی به کار می‌رود (بهادری، ۱۳۸۹، ۳۲).

احزاب یکی از وسایل نظارت ملت بر مسئولان حکومتی می‌باشد. نظارت عمومی از مبانی عمده فعالیت احزاب است (دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، ۱۳۷۸، ۵۹). به اعتقاد برخی حقوقدانان قدرت احزاب در خدمت مردم برای جلوگیری از عملکردهای خودسرانه دولت معرفی می‌شود و به همین دلیل عنوان هیئت‌های واسطه نیز به احزاب اطلاق می‌گردد (غمامی، ۱۳۹۰، ۳۳۰).

با بررسی ۱۱۶ مقاله مرتبط با مساله وضعیت نظارت در ایران امروز در دهه گذشته می‌توان گفت که:

۱- مساله ضعف در نهادهای نظارتی در نظام سیاسی ایران امروز یک مساله جدی و واقعی می‌باشد عدم نظارت منطقی و منصفانه باعث زوال تدریجی دولت و نظام سیاسی می‌گردد و روند بازخوردگیری مثبت و منفی ارز، عملکرد جامعه سیاسی را دچار مختل کرده است.

۲- بسیاری از مفاسد سیاسی و اقتصادی جامعه امروز ناشی از ضعف نهادهای نظارتی می‌باشد چرا که اگر درست عمل می‌کردند شاهد بسیاری از این کژی‌ها نبودیم.

۳- عدم یک سیستم جامع نظارتی، ضعف جدی در شکل‌گیری نهادهای مردمی و سیاست‌زدگی در بعضی از رسانه‌ها و عدم توجه کافی به جریان آزاد اطلاعات موجب

ضعف در روند نظارت در جامعه شده است.

۴- از ابزارهای مهم نظارتی بر روند فعالیت دولت‌ها و دفاع از حقوق شهروندی وجود احزاب پویا و واقعی (خودساخته مردم نه دست‌ساز قدرت سیاسی) می‌باشد که متأسفانه بنا به دلایل ذهنی و تاریخی-فرهنگی و همچنین موضوعاتی چون دولت‌سالاری، پدیده جنگ، اقتصاد دولتی و دولت رانتیر و قانون‌گریزی بعضی از کارگزاران احزاب در جامعه ایران به خوبی شکل نگرفته است.

۵- مساله ضعف نهادهای نظارتی بر کاهش کارآمدی دولت و همچنین تضعیف اعتماد سیاسی جامعه مؤثر بوده است.

۳) مساله بحران ناکارآمدی عملکردهای بعضی از نهادهای حکومتی

کارآمدی، مفهومی مشترک در سه قلمرو مدیریت، اقتصاد و سیاست است. با توجه به خصلت تفسیری علوم انسانی، تعاریف متفاوتی از مفهوم کارآمدی ارائه شده است. این رو نمی‌توان تعریفی جامع و فراگیر و قابل پذیرش همگانی از آن ارائه کرد. در حالی که در برخی تعاریف «کارآمدی» با مفاهیمی چون «کارآیی و اثربخشی» مترادف شده است (قابلیت و توانایی رسیدن به هدف‌های تعیین شده و مشخص و بهره‌برداری بهینه). در برخی دیگر از تعاریف، کارآمدی به میزان موفقیت در تحقق هدف‌ها و یا انجام مأموریت تعریف شده است (زاهدی و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۱۱ - ۱۱۵). در علم مدیریت، با تفاوت گذاشتن بین دو مفهوم کارآمدی و کارآیی، «کارآمدی» را شایستگی و کاردانی در تأمین اهداف و «کارآیی» را شایستگی در مصرف منابع و بهره‌برداری بهینه از آن تعریف کرده‌اند (رضاییان، ۱۳۷۹: ۱۹).

تالکوت پارسونز به عنوان یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان این حوزه، برخی از پیش نیازهای کارکردی نظام اجتماعی در مقولاتی چون سازگاری، حمایت، مشارکت، نظارت و زبان مشترک معرفی نموده است (ریترز، ۱۳۸۴: ۳۵).

کمیسیون اقتصادی و اجتماعی ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه هشت ویژگی را با این عناوین برای حکمرانی خوب برشمرده است: پاسخ‌گویی، شفافیت، حاکمیت قانون، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، اجماع‌محوری، کارآیی و اثربخشی و انصاف و عدالت (علیزاده ثانی و الوانی، ۱۳۸۶: ۶). تنوع شاخص‌ها و در عین حال پیوستگی آنها در درون یک تعریف کلان از حکمرانی خوب، این ظرفیت را به وجود آورده تا هر کشوری

مطابق با فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای خود، مسیر دستیابی به حکمرانی خوب را ترسیم کرده و اگر هم لازم باشد به بومی‌سازی شاخص‌های آن پردازد.

"رابرت دال" اعتقادات و فرهنگ سیاسی دموکراتیک را برای گسترش مشارکت ضروری می‌دهد (دال، ۱۳۷۹: ۱۸۶). آلموند و پاول هم در یک سری از مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که علت عمده توسعه نیافتگی سیاسی در کشورهای جهان سوم، مسائل و مشکلات روانی، تاریخی و فرهنگی است به این معنی که در طول تاریخ در این نظام‌ها، نوعی فرهنگ پدید آمده که مانع پرورش زمینه‌های مشارکت سیاسی و رشد و پیشرفت توسعه سیاسی در این کشورها می‌شود (سیف‌زاده، ۱۳۷۳: ۸۳).

با بررسی ۳۶۴ مقاله مرتبط با مساله بحران ناکارآمدی عملکردهای نهادهای حکومتی ایران در یک دهه گذشته می‌توان گفت که:

۱- ایران در شاخص سیاسی حکمرانی خوب شامل حاکمیت قانون، حق اظهار نظر و پاسخگویی، کنترل فساد، ثبات و کیفیت مقررات بنابر آمار جهانی وضعیت خوبی ندارد. البته فضای میدانی و پژوهش‌های صورت گرفته در باب کیفیت حکمرانی خوب در ایران کلیت مساله بحران کارآمدی حکومت نیز با گزارش‌های جهانی سازگار می‌باشد.

۲- در نگرش دانشگاهیان نیز کیفیت حکمرانی در ایران در وضعیت هشدار می‌باشد که دو شاخص کنترل فساد و مسئولیت‌پذیری دولتمردان در مقابل شهروندان دارای بیشترین ارزیابی منفی نسبت به شاخص‌های دیگر حکمرانی خوب بوده است.

۳- فرهنگ بستر تحقق حکمرانی خوب در هر جامعه‌ای می‌باشد و با وجود ویژگیهای مثبت فرهنگی در جامعه سیاسی ایران نباید از موانع فرهنگی ریشه‌دار و تاریخی همچون فرهنگ استبدادی، بی‌ثباتی، قانون‌گریزی، مشارکت‌گریزی، ابهام‌آفرینی، روزمرگی و شخص‌محوری غافل شد.

۴- نظام سیاستگذاری و مدیریت مشارکتی در کشور به واسطه عوامل ذیل دچار مشکل می‌باشد:

نزاع‌های جناحی و سیاست‌زدگی کنش‌گران، دولت رانتیر و اتکا شدید به فروش منابع اقتصادی و نفت، برداشت‌های متفاوت و مبهم از حدود اختیارات و مسئولیت‌ها، ضعف در اجماع و پاسخگویی، بوروکراسی ناکارآمد و همچنین جهت‌گیریهای فاقد چشم‌انداز راهبردی.

۵- مساله عدالت فراگیر به عنوان شاخص مهم کارآمدی دولتها در کارنامه کشور ما در وضعیت مناسبی قرار ندارد. نگرش سطحی و سیاست زده به مفهوم عدالت اجتماعی، گسست عدالت در گفتمان دولت‌های مختلف و غیریت‌سازیهایی جناحی از چالش‌های مهم اجرای عدالت بوده است.

۶- دخالت حداکثری دولت در امور اقتصادی، افزایش غلظت دولتی‌شدن امور اجتماعی و سیاسی و ناکارآمدی نهادهای مدنی شکاف دولت-ملت و تهدید کارآمدی دولت را به ارمغان آورده است

۷- ارزیابی شش دهه برنامه‌ریزیهای توسعه در ایران نشانگر عدم تناسب حجم عظیم منابع مصرف‌شده با دستاوردهای اقتصادی و اجتماعی بوده است.

۸- بالا بودن مخاطره سیاسی در ایران (با شاخص‌هایی چون ترازمندی ثبات دولت، مناقشات درونی و کیفیت دیوان‌سالارانه) موجب کاهش حکمرانی خوب و عدم موفقیت مقبول در زمینه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شده است.

۴) مساله شکاف‌های اجتماعی

مفهوم «شکاف» در جامعه‌شناسی سیاسی عموماً برای اشاره به آن دسته از تمایزات و تفاوت‌های پایداری است، فارغ از اینکه این تمایزات و تفاوت‌ها به صورت ارادی و اختیاری پدید آمده‌اند و یا به صورتی غیرارادی و تصادفی مورد استفاده قرار گرفته، که در جریان و روند رقابت‌های انتخاباتی و رفتار رأی‌دهندگان مشاهده شده است. منظور از شکاف‌های اجتماعی عوامل گسستی است که جامعه را از نظر جمعیتی به چند گروه متفاوت تقسیم می‌کند (Lipset, 1967: 98). این گروه‌بندی‌ها ممکن است شکل‌ها و سازمان‌های سیاسی‌ای پیدا کند. به بیان دیگر، شکاف‌های اجتماعی خطوط رقابت و منازعه بر سر هنجارها، باورها، ارزش‌ها، شأن و منزلت، اقتدار و اجتماعی هستند (بشیریه، ۱۳۷۴: ۹۹).

صاحب‌نظران جامعه‌شناسی سیاسی، همچنین شکاف‌های اجتماعی را از حیث فعال یا غیر فعال بودن به سه دسته تقسیم می‌کنند. شکاف‌های فعال، نیمه‌فعال و غیرفعال.

شکاف‌های فعال، آن دسته از شکاف‌های اجتماعی هستند که نیروهای سیاسی بر محور آن تجهیز یا بسیج می‌شوند. شکاف‌های نیمه‌فعال شکاف‌هایی هستند که در یک مقطع زمانی خاص فعال و در مقاطع دیگر غیرفعال می‌باشند. منظور از شکاف‌های خفته یا

غیرفعال هم آن دسته از شکاف‌های اجتماعی است که واجد پتانسیل‌هایی برای بسیج سیاسی هستند، اما در حال حاضر نیروهای سیاسی بر محور آنها تجهیز نشده‌اند (بشیریه، ۱۳۸۲، ص ۱۰۳).

از میان تعداد ۱۴۲ مقاله مرتبط با شکاف‌های اجتماعی در ایران اهم یافته‌ها به شرح زیر می‌باشد:

۱- در کنار شکاف‌های سنتی در جامعه ایران، شکاف‌های اجتماعی نوپدید مانند شکاف نسلی، شکاف اقتصادی مبتنی بر شان، شکاف قومیت فرهنگ‌گرا، تمایز هویتی و سبک زندگی، شکاف دیجیتال و شکاف خود ایزاری جنسیت پایه در جامعه ایران وجود دارد.

۲- فعال شدن شکاف دولت-ملت می‌تواند موجب تحریک و بسیج سایر شکاف‌های اجتماعی گردد. بی‌توجهی به برخی از اصول قانون اساسی، نارضایتی از عملکرد دولت، گسترش روزافزون بی‌اعتمادی در جامعه زمینه‌های واگرایی سیاسی را فراهم آورده است.

۳- شکاف فزاینده میان هنجارهای رسمی و گرایش‌های عمومی و تعارض در الگوهای رفتاری باعث وضعیت هشدار در پررنگ شدن آنومی اجتماعی در ایران امروز و گسترش بی‌تفاوتی شده است که خود می‌تواند به بحران‌هایی همچون بحران‌های مشروعیت، مشارکت و کارآیی منجر گردد.

۴- افزایش جمعیت و هرم سنی کشور، افزایش شهرنشینی حضور بیشتر زنان در جامعه، افزایش تحصیلات، رشد فزاینده استفاده از تکنولوژی و ارتباطات می‌تواند در شرایط خاص ناکارآمدی دولت موجب افزایش شکاف دولت - ملت و ایجاد تخاصم اجتماعی - سیاسی گردد.

۵- تراکم شکاف‌های اجتماعی در دهه‌های اخیر همزمان با عوامل تقویت‌کننده منطقه‌ای و بین‌المللی در وضعیت ایجاد بحران و تبدیل شکاف‌های اجتماعی به جنبش‌های اجتماعی نقش داشته‌اند.

۶- با توجه به وضعیت متوسط ایران براساس توسعه فاوا، وضعیت شکاف دیجیتال از نامطلوب‌ترین وضعیت‌های توسعه فناوری اطلاعات در کشور می‌باشد.

۷- شکاف دیجیتال نوعی از شکاف سرمایه فرهنگی می‌باشد که با تأثیر بر هویت و نمادهای سبک زندگی دیجیتال باعث شکاف فرهنگی و تضعیف امنیت فرهنگی،

کسری سرمایه اجتماعی و حتی فرسایش اجتماعی و استحاله مشروعیت سیاسی می‌گردد.

۸- هویت ایرانی نیز در مصاف با شکاف‌های ایدئولوژیکی، شکاف‌های رفتاری (فرم‌گرایی، اباحه‌گرایی و مصلحت‌اندیشی کاذب) و شکاف‌های موقعیتی روبرو است.

۹- احساس تبعیض قومی در میان قوام‌نُه‌گانه ایرانی به تعمیق شکاف‌های قومی در کشور کمک می‌نماید.

۵) مساله تحریم آمریکا نسبت به ایران

هنری بنین و رابرت گیلپین تحریم را دستکاری روابط اقتصادی به منظور دستیابی به اهداف سیاسی می‌دانند که برای تهدید به مجازات اقتصادی و یا اعمال آن با هدف مجبور کردن یک جامعه به تغییر سیاست یا حکومت خود به کار می‌رود (بنین و گیلپین، ۱۹۸۰: ۹۰)، هافبائر و اسکات تحریم اقتصادی را تعلیق عمدی یا تهدید به تعلیق روابط تجاری و مالی معمولی و متعارف دولت می‌دانند (هافبائر و اسکات، ۲۰۰۷: ۵). این تعریف مبتنی بر ماده ۴۱ منشور سازمان ملل است با این تفاوت که کلی‌تر است و خود را به تفسیر انگیزه‌ها و اهداف محدود نمی‌کند. در اینجا تعاریف دیگر از تحریم اقتصادی را نیز مورد بررسی قرار خواهیم داد:

تحریم اقتصادی به تدابیر قهرآمیز اقتصادی علیه یک یا چند کشور می‌گویند که برای ایجاد تغییر در سیاست‌های کشور هدف یا حداقل اعلام واکنش درباره سیاست‌های آن کشور از سوی کشور یا کشورهای تحریم‌کننده اعمال می‌شود (کارته، ۱۹۸۸: ۴).

تحریم چه از نوع اقتصادی و چه غیر اقتصادی ابزار و اهرمی برای تحقق اهداف سیاسی کشورها در عرصه بین‌المللی است.

انواع تحریم‌های اقتصادی از نظر موضوع: تحریم‌های اقتصادی در یک تقسیم‌بندی موضوعی به چهار گروه کلی تحریم‌های تجاری، تحریم‌های مالی، تحریم‌های مسافرتی و تحریم‌های نظامی تقسیم می‌شوند (بسلرو و همکاران، ۲۰۰۴: ۱).

تحریم یکجانبه ثانوی (فراسرزمینی)

در تحریم‌های ثانویه ۲ کشور تحریم‌کننده از اهرم‌های اقتصادی خود برای فشار به کشور ثالث استفاده می‌کند تا تحریم‌های مدنظر را علیه کشور هدف اعمال کند. این تحریم به صورت غیر مستقیم عمل می‌کند و در صورت تبعیت کشور ثالث موجب اعمال تحریم فراتر از سرزمین کشور تحریم‌کننده می‌شود که به آن تحریم فراسرزمینی

نیز می‌گویند (مایر، ۲۰۰۹: ۹۰۶). تحریم‌های فراسرزمینی اولین بار در دهه ۱۹۹۰ توسط آمریکا طی قوانین هلمز - برتون و داماتو (ایلسا) علیه کوبا و ایران و لیبی ابداع شد (لارسون، ۲۰۱۱: ۲۴).

تحریم همه جانبه

در این نوع از تحریم‌ها معافیت‌های بشردوستانه در نظر گرفته نمی‌شود، کلیه کالاها و خدمات مورد نیاز مردم کشور هدف، تحریم می‌شود.

تحریم هدفمند یا هوشمند

در این نوع از تحریم، اشخاص حقیقی یا حقوقی، دولتی و غیردولتی که منشاء رفتارهای دولتی می‌باشند، مورد نظر است (حدادی، ۱۳۹۰: ۲۹).

از میان ۲۱۳ مقاله مرتبط با تحریم‌های آمریکا نسبت به ایران که مورد بررسی قرار گرفته‌اند، اهم یافته‌های مربوطه در قالب جداول زیر به این شرح است:

در مورد مساله تحریم آمریکا نسبت به ایران امروز می‌توان گفت:

۱- بحث تحریم‌های آمریکا نسبت به ایران را باید در فضای کلان سیاست خارجی نئومحافظه‌کارانه آمریکا در نظر گرفت که مبتنی بر نگاه ایدئولوژیک به سیاست خارجی، ترکیب هوشمندانه تهدید و دیپلماسی و اصرار به برتری همه جانبه آمریکا و دشمن‌سازی است.

۲- دیپلماسی غرب در کنار سیاست تحریم، استفاده از مکمل تهدید نظامی و بازنمایی آثار تحریم در جنگ رسانه‌ای برای تأثیر بر افکار عمومی مردم بوده است. ایمازهای تقلیل‌گرایانه از ایران در قالب مفاهیمی چون حمایت از تروریسم، نارضایتی مردم ایران از حکومت خود و ناجی بودن آمریکا در روند دیپلماسی عمومی این کشور علیه ایران مطرح بوده است.

۳- تحریم‌های اقتصادی و راهبردی آمریکا از سال ۱۹۷۹ مرحله به مرحله افزایش یافت تا اینکه در سال ۲۰۱۱ تحریم‌های فلج‌کننده به عنوان شدیدترین تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران مطرح و اجرا گردید.

۴- از مجموع ۲۹ قانون تحریم ضد ایران توسط دولت‌های مختلف آمریکا، دولت اوباما با ۱۳ تحریم سرزمینی و فراسرزمینی و دولت کلینتون با ۶ تحریم علیه ایران نقش داشته‌اند. در دوره اوباما شدت تحریم‌ها از فاز هدفمند به تحریم‌های جامع و از نوع سرزمینی به

فراسرزمینی بوده است.

۵- دیپلماسی تهاجمی و مداخله‌گرایانه کنگره آمریکا به گونه‌ای بوده است که در سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۷ نزدیک به ۱۰۰ لایحه تحریمی علیه ایران مطرح کرده است. حتی بعد از توافق هسته‌ای نیز کنگره قانون ایسا را برای سومین بار متوالی تا ۲۰۲۶ تمدید کرد.

۶- هر چند از میان ۱۰۳ تحریم صورت گرفته از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون، ۶۷٪ تحریم‌ها نتوانسته رفتار کشورهای مورد تحریم را تغییر دهد اما آثار اقتصادی تحریم‌ها را نمی‌توان نادیده گرفت به گونه‌ای که در مورد جمهوری اسلامی ایران باعث کاهش ارزش پول ملی، کاهش سرمایه‌گذاری خارجی، آشفتگی در نظام حمل و نقل و غیره شده است.

۷- در دوران پسابرجام واشنگتن با پیگیری دیپلماسی اجبار و ترکیب دو گزینه دیپلماسی و تهدید، خواستار اصلاح برجام مبتنی بر نظارت بر مراکز نظامی و اعمال محدودیت‌های موشکی و دائمی کردن محدودیت‌های غنی‌سازی شد... کنگره نیز به سمت متراکم‌سازی و هوشمندسازی تحریم‌های غیرهسته‌ای گام برداشت.

۸- روند برخورد آمریکا با فعالیت هسته‌ای ایران برخورد سیاسی به نگاه حقوقی بوده است و روند گذار از بحران‌های ناشی از تحریم ماهیت سیاسی دارد.

۹- براساس نظریه بازی‌ها، استراتژی همکاری متقابل به عنوان بهینه‌ترین تصمیم در یک بازی پویای طرفینی در مذاکرات هسته‌ای در نظر گرفته می‌شود.

نتیجه‌گیری

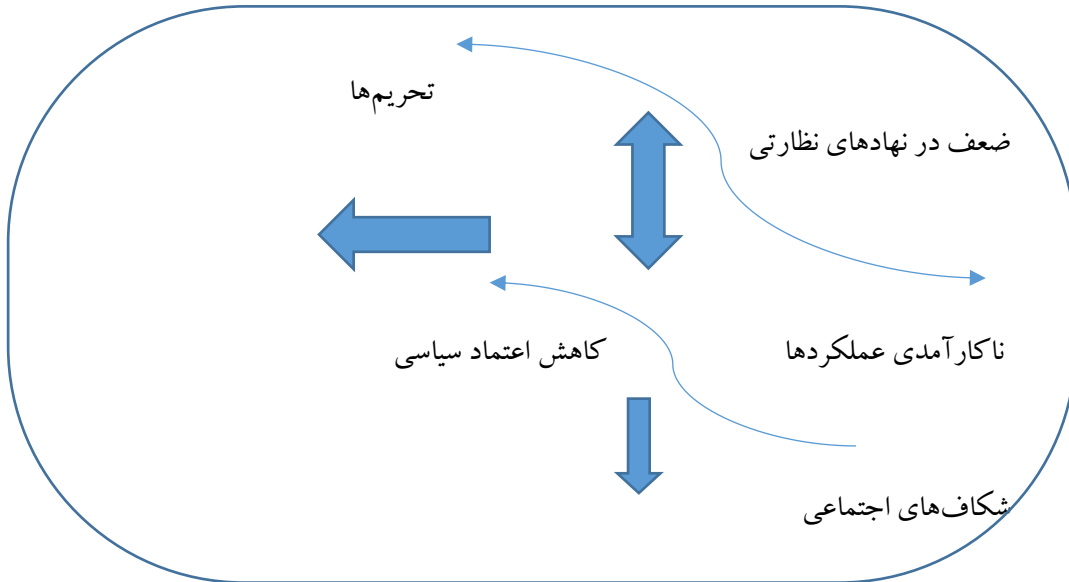
جمهوری اسلامی ایران تحولات متنوعی را همراه با رویش‌های سیاسی مهم و ریزش‌ها و آسیب‌های تأثیرگذار بر روند توسعه و پیشرفت طی کرده است. ضمن توجه به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های نسبی دولت‌های مختلف در جمهوری اسلامی ایران، به بررسی مهم‌ترین مسائل سیاسی (مساله‌شناسی) تأثیرگذار بر حال سیاسی جامعه پرداخته شده است.

رشد سریع جمعیت، دگرگونی در ساختار سیاسی-اجتماعی جامعه، توسعه غیر متعارف و تحولات در عرصه جهانی (در قالب جهانی‌شدن) و نحوه مدیریت سیاسی عده‌ای از کارگزاران، موجبات بروز مسائل جدی در حوزه امور سیاسی شده است و حال سیاسی جامعه را ناخوش و سیاست را نیز در معرض آنومی نگران‌کننده و بروز "تعارضات فزاینده

" قرار داده است که فهم مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه قدم بسیار مهمی در حل مسائل آن خواهد بود.

لازم به ذکر است که هر نظامی برای زنده ماندن باید این چهار کارکرد را انجام دهد: سازگاری؛ یعنی لزوم انطباق یافتن هر نظامی با محیط طبیعی و خارجی خود، هدف‌گزینی؛ یعنی بهره‌گیری بسیاری از منابع برای رسیدن به اهداف مشخص، یکپارچگی؛ یعنی تحقق قواعد و مقررات یا هنجارهای قانونی و مشروع برای اداره و کنترل کل سیستم، حفظ الگوهای نهفته؛ به دیگرسانی ارزش‌های شخصی و تبدیل آن به ارزش‌های فردی که به صورت جزئی از الگوهای ارزشی مشترک و ثابت یک سیستم مشخص درمی‌آید، مربوط می‌شود.

جامعه سیاسی امروز ما در یک وضعیت خاص سیاسی و در یک پیچش مهم تاریخی است و می‌توان آن را به مثابه یک "جامعه بیم زده" (Risk-Society) در نظر گرفت و این جامعه برای ادامه حیات سیاسی- اجتماعی خود با چهار نیاز مهم در قالب سازگاری، دستیابی به هدف، انسجام و حفظ الگوی پنهان و یا مدیریت تنش ارتباط دارد. البته با نگاه سیستمی می‌توان به شناخت مسائل و مشکلات جامعه، برای بهتر شدن حال سیاسی و عمومی جامعه اقدام کرد. بعد از ذکر گزاره‌های مرتبط با پنج مساله سیاسی مهم دولت در جمهوری اسلامی ایران (با در نظر گرفتن فرهنگ عمومی و سیاسی جامعه که در نظام-ها و خرده نظام‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی نفوذ دارد)، می‌توان گفت روند سینوسی اعتماد سیاسی، هسته اصلی مسائل سیاسی امروز کشور ما بوده است که در بُعد داخلی رابطه مهمی با ضعف در عملکرد نهادهای نظارتی، ناکارآمدی بعضی از نهادهای حکومتی و شکاف‌های اجتماعی داشته است. ناگفته نماند از بُعد خارجی هم می‌توان به محور سیاست‌های تحریم آمریکا علیه مردم ایران اشاره کرد. البته توجه به عنصر توانمندسازی عینی و ذهنی دولت و استفاده بهینه از ظرفیت حقیقی مردم و تمسک صادقانه به نظام ارزشی مقبول جامعه، بهره‌مندی از نقطه نظرات نخبگان اجتماعی - سیاسی و خوانش واقع‌بینانه از مسائل کشور به کاهش مساله‌های گفته شده کمک خواهد نمود. چرا که رویکرد مساله‌محوری ترکیبی به بن‌بست و انسداد اجتماعی و سیاسی نمی‌رسد. مجموعه مطالب گفته شده در این پژوهش را می‌توان در مدل نظام‌مند اهم مسائل سیاسی جمهوری اسلامی ایران به شکل زیر دید:



مدل نظام مند اهم مسایل سیاسی دولت ج. ا. ایران

در پایان از معاونت پژوهشی دانشگاه علامه طباطبائی و مرکز فلاسفه ایران در جهت مساعدت و همکاری در اجرای طرح پژوهشی نگرش ابعادی به مسائل ایران امروز و تمشیت استخراج مقاله مذکور از آن قدردانی می‌گردد.

منابع

الف) فارسی

- آزاد ارمکی، تقی و عبداللهیان، حمید (۱۳۸۰). "مسأله‌شناسی بومی و شکل‌گیری بومی‌گرایی علمی در علوم انسانی کانادایی" مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران؛ ش ۱۶۰، ۴۹۱-۵۰۷.
- آزاد ارمکی، تقی و بهار (۱۳۷۷). بررسی مسائل اجتماعی، تهران: موسسه نشر جهاد.
- بهادری، علی، (۱۳۸۹). روابط میان قوا در حقوق اساسی ج.ا.ا. با نگاهی به نظریه کنترل و تعادل قوا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده حقوق. دانشگاه امام صادق (ع).
- دال، رابرت (۱۳۷۹)، درباره دموکراسی. ترجمه حسن فشارکی. تهران: انتشارات شیرازه.
- دانایی فرد، حسن، الوانی، سیدمهدی. (۱۳۸۰). "مدیریت دولتی و اعتماد عمومی". فصلنامه دانش مدیریت. شماره ۵۵.
- رضائیان، علی. (۱۳۷۹). مبانی سازمان و مدیریت. تهران، سمت.
- ریتزر، جورج. (۱۳۸۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران، علمی.
- شایگان ف. (۱۳۸۶) دینداری و تأثیر آن بر اعتماد سیاسی؛ پایان‌نامه دکتری رشته جامعه‌شناسی سیاسی. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- شایگان، فریبا. (۱۳۸۷). "بررسی عوامل تأثیرگذار بر اعتماد سیاسی". فصلنامه دانش سیاسی. سال ۴. ش ۱.
- عمید زنجانی، عباسعلی، و همکاران. (۱۳۸۹). نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری. تهران: دانشگاه تهران.
- قاضی، سید ابوالفضل. (۱۳۷۵). بایسته‌های حقوق اساسی. تهران، میزان.
- احمدی، سیروس و همکاران. (۱۳۹۳). "بررسی رابطه میزان کنترل اجتماعی و بی‌نظمی در بین شهروندان شهر دهدشت". پژوهش راهبردی امنیت و نظم اجتماعی. سال سوم، شماره پیاپی ۸.
- اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۹۱). نظارت در نظام اسلامی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- بشیریه، حسین. (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی. تهران: نشر نی.

- بلیکی، نورمن. (۱۳۸۹). **استراتژی های پژوهش اجتماعی**. تهران: جامعه شناسان.
- بیرو، آلن. (۱۳۶۷). **فرهنگ علوم اجتماعی**. ترجمه: باقر ساروخانی. تهران: کیهان.
- توانبخش، مهرداد و نوریان فر، عزالدین. (۱۳۹۵). "بررسی عوامل مؤثر بر احساس آنومی سیاسی. مطالعه موردی: شهرستان استان ایلام." فصلنامه علمی - پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر. سال دهم، شماره پیاپی ۳۵.
- جلایی پور، حمیدرضا. (۱۳۹۲). **جامعه شناسی ایران؛ جامعه کژ مدرن**. تهران: نشر علم.
- چانگ، ادواردس و همکاران. (۱۳۹۴). **حل مساله اجتماعی، مروری بر نظریه، پژوهش و آموزش**. ترجمه ربابه نوری و محمدعلی نوری. تهران: انتشارات ارجمند.
- حبیبی، یالله و عیوضی، یاور و معظمی، ابراهیم. (۱۳۹۶). "مساله فرهنگی و مساله شناسی فرهنگی ایران". **مجله فرهنگ در دانشگاه اسلامی**. شماره ۲۵، ۵۲۵-۵۴۹.
- حدادی، مهدی. (۱۳۹۰). **تحول در اجرای مسئولیت بین المللی دولت ها**. تهران: نشر دادگستر، چاپ اول.
- حقیقت صادق. (۱۳۸۳). **مساله شناسی مطالعات سیاسی اسلامی**. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. قم: بوستان کتاب قم.
- خانباشی، محمد. (۱۳۹۰). "تأثیر عوامل اقتصادی بر سطح اعتماد سیاسی". فصلنامه راهبرد. شماره ۶۱. سال بیستم. زمستان.
- خیری محمد. (۱۳۹۲). "امکان سنجی طراحی سامانه مساله یابی دینی؛ با تأکید بر حوزه پژوهش های قرآنی". **مجله اسلام و مطالعات اجتماعی**. ۱۰۸ - ۱۳۰.
- دورکیم، امیل. (۱۳۷۸). **خودکشی**. ترجمه نادر سالارزاده. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- رجب زاده، احمد و کوثری، مسعود. (۱۳۸۱). "آنومی سیاسی در اندیشه دورکیم". **مجله علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه شیراز**. ۱۳۸۱، شماره پیاپی ۳۷.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۸). **آنومی یا آشفتگی اجتماعی، پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی**. تهران: شرکت سروش.
- رفیعی، حسن. سعید مدنی قهفرخی و مروئه وامقی. (۱۳۸۷). "مشکلات اجتماعی در اولویت ایران". **جامعه شناسی ایران**. دوره نهم، ش ۲-۱.
- زاهدی، شمس السادات و دیگران. (۱۳۸۳). **فرهنگ جامع مدیریت**. تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- زتومکا، پیوتر. (۱۳۸۴). **جامعه، اعتماد یک نظریه شناختی**. ترجمه فاطمه گلابی. انتشارات

تبریز.

سیف زاده، سید حسین. (۱۳۷۳). نظریه‌های مختلف درباره راه‌های گوناگون نوسازی و دگرگونی سیاسی. تهران: نشر قومس.

شریف‌زاده، فتاح و رحمت‌الله قلی‌پور. (۱۳۸۲). "حکمرانی خوب و نقش دولت. فرهنگ مدیریت". سال اول. شماره چهارم صص ۱۰۹ - ۹۳.

علیزاده ثانی، الوانی، سید مهدی. (۱۳۸۶). "تحلیلی بر کیفیت حکمرانی خوب در ایران". مجله مطالعات مدیریت بهبود و تحول. شماره ۵۳. صص ۱ - ۲۴، ۸.

غمامی، سید محمد مهدی. (۱۳۹۰). **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۹۹). زندگی سراسر فهم مساله است؛ مساله و مساله شناسی در علوم اجتماعی و انسانی ایران، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

کلهر، سینا. (۱۳۹۹). **مساله شناسی فرهنگی**. تهران: انتشارات سوره مهر.

کوثری، مسعود. (۱۳۸۶). **نظریه‌های آنومی اجتماعی**. تهران: سلمان.

لوزیک، دانیلین. (۱۳۸۸). **نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی**. ترجمه سعید معیدفر. تهران: انتشارات امیرکبیر.

معمدی، سید هادی. (۱۳۸۶). "اولویت‌بندی آسیب‌ها و مسائل اجتماعی در ایران". رفاه اجتماعی. سال ششم، ش ۲۴.

-معیدفر، سعید و ستار پروین. (۱۳۸۸). "فرا تحلیل مطالعات انجام شده در حوزه مسائل اجتماعی ایران". جامعه‌شناسی کاربردی، دانشگاه اصفهان ش ۴.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۸۲). **ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج دوم)**. تهران: دفتر طرح و پیمایش ارزش و نگرش‌ها وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

(۱۳۹۴). **پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان**. موج سوم.

ب) انگلیسی

Bauman, z (2002) **social uses of law and order**, in D. Garland and R. Sparks. *Criminology and social theory*, Oxford: Oxford university press, 2.

Bessler, Manuel, Garfield, Richard and Gerard Mc Hugh, (2004) **Sanctions Assessment Handbook: Assessing the Humanitarian Implications of Sanctions**, United Nations Inter-Agency Standing Committee, New York.

Carter, Barry E. (1988) *International Economic Sanctions*:

- Improving the Haphazard US Legal Regime, Cambridge University Press, 1988.
- Denhardt, Robert. B, (1999), "The future of public administration", public administration & management: an interactive journal, 4(2): pp 279-292.
- Dzur.lla, T, and others (2002) **social problem solving, Inventory – revised (SPSI-R): Technical manual**. North Tonawanda, NY: Multi – health system.
- Hufbauer, Gary Clyde, Schott, Jeffrey, and Elliott, Kimberly Ann (1993), **Economic Sanctions Reconsidered**, New York: Peterson Institute for international economics.
- Hufbauer, Gary Clyde, Schott, Jeffrey, Elliott, Kimberly Ann and Oegg, Barbara (2007), **Economic Sanctions Reconsidered**, 3rd edition, New York: Peterson Institute for international economics.
- Larson L.;"Public trust in the PR industry and its actors"; Journal of Communication Management, Vol.11, No. 3, 2007.
- Larsson Kristina, United States extraterritorial application of economic sanctions and the new international sanctions against iran, Lund University, FACULTY OF LAW, Master thesis, 2011.
- Lipset, Simon. M. and Rokkan (1967) Party Systems and Voter Alignments, Free Press, New York.
- Messner, s and Rosenfield, R (1997), "Political restraint of the market and levels of criminal homicide: Across national application of institutional – anomic theory". Social forces vol.75
- Mestrovic, stjepan G (1985). "Anomia and sin in Durkheim's Thought", Journal of scientific study of religion, 24 (2)
- Meyer Jeffrey A, "Second Thoughts On Secondary Sanctions", in University of Pennsylvania Journal of International Law, Vol. 30, Issue 3, Spring 2009.
- Mott, William H. (2004) **Globalization: People, Perspectives, and Progress**, New York: Greenwood Publishing Group.
- Sztompka, Pioter (2003) **Trust: A Sociological Theory**, Cambridge: Cambridge University Press.
- <http://www.ayandeban.ir>

استناد به این مقاله: رهبر، عباسعلی. (۱۴۰۱). فهم مساله‌شناسی سیاسی دولت در جمهوری اسلامی ایران. دولت پژوهی، ۸(۳۰)، ۱۲۶۴-۱۲۶۵. doi: 10.22054/tssq.2022.68284.1264



The State Studies Quarterly is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

